

مارتین لوتر کینگ و نامه‌ای از زندان

مارتین لوتر کینگ در پیشگفتار کتاب «چرا نمی توانیم منتظر بمانیم؟» که اخیرا با ترجمه عبدالکریم حسین زاده در نشر نو منتشر شده، پیش از آنکه به سراغ دلایل تاریخی و اجتماعی انقلاب سال ۱۹۶۳ سیاه‌پوستان برود، با ارائه دو تصویر از زندگی روزمره آنها، ضرورت انقلاب ضدتبعیض را به زبانی ساده نشان داده است...

صفحه ۱۱

سرمقاله

در اهمیت حکمرانی سازگار با تحولات توسعه‌ای



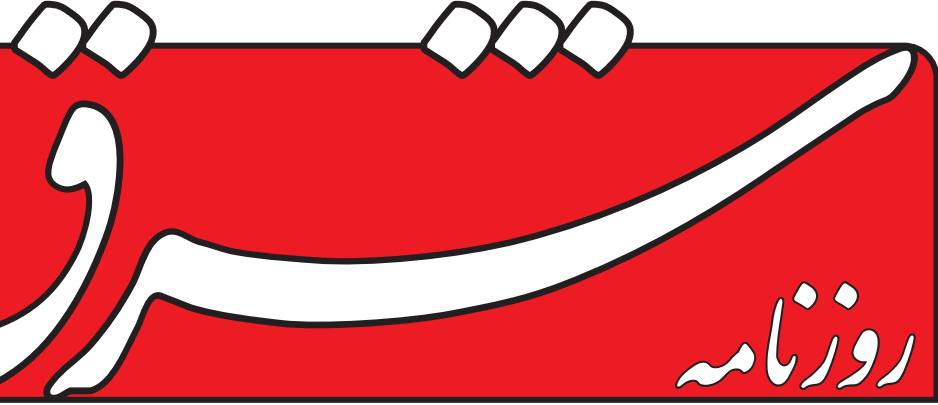
علی دینی ترکمانی

چندین سال است که در اهمیت بحث حکمرانی در پیشبرد فرایند توسعه، بحث‌هایی مطرح شده است. بانک جهانی، با نگاهی راست‌گرا، در ابتدا، حکمرانی خوب را عمدتا به تأمین فضای کسب‌وکار مناسب تقلیل داد و برداشتی فن‌سالارانه (تکتوکراتیک) اقتصادی از آن ارائه کرد. در ادامه، به همت محققانی چون کافمن، شاخص‌های پاسخ‌گویی (صدا)، ثبات سیاسی و نبود خشونت، اثربخشی و کارایی دولت، کیفیت تنظیم‌گیری (قوانین و مقررات) و کنترل فساد در تعریف و اندازه‌گیری حکمرانی خوب لحاظ شد که به‌معنای عبور از نگاه فن‌سالار اقتصادی، به نگاه وسیع‌تر و صحیح اقتصادی و سیاسی و حقوقی است. در همین راستا، سازمان ملل با اضافه‌کردن شاخص‌های اجتماعی مشارکت اجتماعی و برابری، این تعریف را تکمیل کرده است.

باوجوداین بحث حکمرانی خوب در سطح جهانی منتقدانی دارد. برای مثال اقتصاددانان برجسته‌ای چون ها-جون چانگ در دانشگاه کمبریج و مشتاق‌خان در دانشگاه لندن، معتقدند بحث حکمرانی خوب، پیشبرد فرایند توسعه را مقید به تأمین شرایطی می‌کند که در کشورهای درحال‌توسعه وجود ندارد. در نتیجه از نظر اینان چنین بحثی عملا به‌معنای احاله‌دادن توسعه به ناکجاآباد است. معتقدند ابتدا به ساکن باید بر توسعه اقتصادی متمرکز شد. وقتی این امر تأمین شود، حکمرانی نیز بهتر می شود. به‌طور خلاصه این دیدگاه به‌معنای تقدم توسعه اقتصادی بر حکمرانی خوب است. چنانچه می‌دانیم این دیدگاه در ایران نیز طرفدارانی دارد.

اشکال جدی، تحلیل‌های چانگ و خان در دو چیز است. اول، تناقض‌هایی است که در مباحث‌شان وجود دارد. برای مثال، از یک‌سو معتقدند تحولات صنعتی و فناوریانه کره جنوبی در چند دهه گذشته ناشی از وجود دولت کارآمد و توسعه‌خواهی بوده که توانایی پیشبرد سیاست صنعتی و تنفیذ قراردادهای بلندمدت را داشته است و از سوی دیگر منتقد بحث حکمرانی خوب هستند. مثالی دیگر؛ مشتاق‌خان از سویی ذیل بحثی با عنوان «چیدمان سیاسی» معتقد است در کشورهایی مانند نیجریه یا وجود ساختار نهادی کم‌وییش یکسان ظاهری آن با کشورهای دیگر قابل‌کنترل نیست؛ چون نهادهای پنهان در ساخت سیاست و قدرت امکان آن را نمی‌دهند. از نظر او هرچه این نقش بیشتر و قوی‌تر باشد، چیدمان سیاسی با توسعه ناسازگار می‌شود. هرچه نهادهای موازی در کنار هم بیشتر باشند، امکان پاسخ‌گویی، شفاف‌سازی و کنترل فساد کمتر می‌شود. همین‌طور امکان نیل به هماهنگی حداقلی در سیاست‌گذاری‌ها، با وجود تغییرات در مهره‌چینی‌های سیاسی، کمتر می‌شود؛ چراکه ناهماهنگی‌ها به دلیل نهادهای پنهان در سطح زیرین‌تر بازتولید می‌شوند. از سوی دیگر منتقد بحث حکمرانی خوب است.

چرا چنین تناقضی در بحث چنین افرادی ظاهر می‌شود؟ به نظر من، پاسخ در فرض نادرست آنان از برداشت معتقدان به فرضیه حکمرانی خوب به‌مثابه پیش‌شرط اولیه توسعه اقتصادی و اجتماعی است. اگر معتقدان، حکمرانی عالی جاری در کشورهای پیشرفته از جمله کشورهای اسکاندیناوی را به‌عنوان پیش‌شرط توسعه در نظر بگیرند، حق با چنین منتقدانی است. در غیاب حکمرانی با چنین کیفیتی در همه کشورها، مقیدکردن توسعه به تأمین آن به‌معنای احاله‌دادن تحولات اقتصادی و اجتماعی مثبت به ناکجاآباد است. اما کسی چنین قیدی را طرح نمی‌کند. قید مدنظر عبارت است از وجود حداقلی از کیفیت حکمرانی در شاخص‌های مذکور؛ چراکه بدون حداقلی از کیفیت، امکان پیشبرد توسعه در ابعاد اقتصادی و اجتماعی آن وجود ندارد. با این نگاه و برای برهیز از چنین مناقشاهی بهتر است حکمرانی حداقلی سازگار با تحولات توسعه‌ای را جایگزین حکمرانی خوب کنیم و به‌درستی بر آن به‌عنوان پیش‌شرط اولیه و ضروری تحولات اقتصادی و اجتماعی تأکید کنیم. حکمرانی حداقلی سازگار با تحولات توسعه‌ای، خروجی منطقی چیدمان سیاسی خاص خود است. چنین چیدمانی به‌گونه‌ای است که مانع موجب بروز موازی‌کاری‌های شدید میان انواع نهادها می‌شود؛ امکان پیشبرد تحولات مثبت در عرصه اقتصاد و تضادگرا در اموری چون انتخاب پوشش و موسیقی و ... می‌شود؛ همین‌طور، مانع از ترکیب‌سازی‌های نامتجانس میان اجزای سنت و اجزای مدرنیسم می‌شود؛ سنت را به‌گونه‌ای متناسب با شرایط زمانه تعریف می‌کند که با مدرنیسم و پدیده‌های گریزناپذیر آن در تضاد نیفتد... در غیاب چیدمان سیاسی و حکمرانی سازگار با تحولات توسعه‌ای، امکان پیشبرد تحولات مثبت در عرصه اقتصاد و اجتماع فراهم نمی‌شود. امکان مهار فساد و کاهش ضد انگیزش‌ها فراهم نمی‌شود. امکان نیل به هماهنگی توسعه‌گرا میان اجزای نظام حکمرانی میسر نمی‌شود. برعکس با وجود آن نتایج برعکس می‌شوند و تحولات در مسیر تکاملی مثبت رقم می‌خورند. این تحولات موجب ارتقای کیفیت حکمرانی به مدارهای بالاتر در آینده می‌شوند. به‌این‌صورت میان چنین چیدمان سیاسی و حکمرانی در یک‌سو و تحولات اقتصادی و اجتماعی در سوی دیگر رابطه علیّی انباشتی و فراینده برقرار می‌شود. در این رابطه نقطه عزیمت اولیه برای شکل‌گیری دینامیسم درون‌داد تسهیلگر کارکردهای علیت انباشتی، چیدمان سیاسی و حکمرانی مذکور است. به این اعتبار باید پذیرفت که سیاست و توسعه سیاسی مقدم بر توسعه اقتصادی و اجتماعی است.



چهارشنبه ۲۷ مهر ۱۴۰۱ • ۲۲ ربیع‌الاول ۱۴۴۴ • ۱۹ اکتبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۳۹۸ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰ تومان

در «شرق» امروز می‌خوانید:
مهران مدیری: موضوع وطن است، الناز رکابی؛ از سئول تا تهران، موارد ممنوع‌الخروجی و راه‌های برداشتن آن و **یادداشت‌هایی از امیر عربی**، جاوید رستمی، فریدون آژند

«شرق» سال‌ها تلاش برای راه‌اندازی مرورگر، ایمیل و پیام‌رسان‌های داخلی را بررسی کرد

بومی‌های کسل

نه تکنولوژی و سرمایه لازم برای رقابت اپلیکیشن‌های بومی با نمونه جهانی وجود دارد و نه ایران تحت تحریم امکان جذب بازارهای جهانی و منطقه‌ای را دارد

گزارش تیر تک را در صفحه ۴ بخوانید



اهدای عضو از نگاه یک متخصص

اهدای دریافت عضو در ایران پول و پارتی نمی‌خواهد

گزارش تیر تک را در صفحه ۴ بخوانید



یادداشت

هنر «شنیدن» فضیلت است



حسین ساسانی

نظریه‌پرداز توسعه پایدار

چه آتانی که در خیابان فریاد می‌زنند، چه آتانی که قلم در دست گرفته روشنگری می‌کنند و همگان را به فضیلت «شنیدن» دعوت می‌کنند، چه آتانی که خموش‌اند ولی صدای فروخته در گلسو دارند و چه آتانی که اهداف گوناگون و متفاوت را دنبال می‌کنند، بر یک موضوع مشترک پافشاری می‌کنند؛ صدای‌مان را بشنویند! چه با فریاد باشد، چه با سکوت. اگر تلاش برای شنیده‌شدن یک روی سکه باشد، روی دیگر تمایل به گوش‌دادن است. این دو به شکل جدایی‌ناپذیری با هم هستند. زمانی که متقاعد شویم هیچ‌کس به مطالبات، اعتراضات و تقاضاهای ما گوش نمی‌دهد، کمتر مایل به گوش‌دادن به دیگران خواهیم بود. در این شرایط، تعامل در میان بخش‌های مختلف جامعه متزلزل شده و زمانی که ارتباط از بین برود، همزیستی و هماهنگی اجتماعی نیز دچار آسیب خواهد شد و در نهایت جامعه به سمت عقب سیر می‌کند. احساس شنیده‌شدن در صورتی که مداوم یابد و به امری عادی تبدیل شود، به تدریج گوش‌ها و بعد قلب‌مان را می‌بندد. با گوش‌ندان به دیگران باعث می‌شویم آنان هم احساس کنند هیچ‌کس صدای‌شان را نمی‌شنود. بعد این چرخه ادامه پیدا می‌کند و هر بار که یک دور می‌زند، همه چیز بدتر می‌شود. وقتی ضرورت گوش‌دادن به نظرات مختلف را فراموش کنیم، قضاوت عادلانه هم در ما متوقف می‌شود؛ چون یک‌سدی چیز زیادی به ما نمی‌دهد. معمولا تفاوت‌ها و گوناگونی صداها هستند که چیزهای زیادی به آدم یاد می‌دهند. «هنر شنیدن» به ما می‌آموزد به جای اینکه برای گشودن ذهن دیگران تلاش و وقت‌مان را تلف کنیم و فقط اصرار به سخنوری داشته باشیم، حرف‌های دیگران را بشنویم و بعد با یک چشم‌انداز مشترک، آینده را هم‌آفرینی کنیم. این کار هم وظیفه حاکمیت است و هم وظیفه ملت.

ادامه در صفحه ۹

مدرسه کاربردی علوم ارتباطات «شرق»

دوستان و همراهان گرامی

همان طور که می‌دانید روزنامه «شرق» و روزنامه‌نگاران آن به‌تازگی مدرسه کاربردی علوم ارتباطات «شرق» را راه‌اندازی کرده بودند تا دوده‌ه تجربه خود را در دانش‌اندوزی و کسب تجربه در حیطه علوم ارتباطات در اختیار شهروندان عزیز قرار بدهند. خوشحالیم که شما بزرگواران نیز از راه‌اندازی مدرسه «شرق» و حضور در آن استقبال کردید. اما متأسفانه در همان بدو تأسیس مجبور شدیم روند ثبت‌نام از متقاضیان محترم را به دلیل رعایت پاره‌ای از موارد ایمنی شهری و آسودگی شما بزرگواران متوقف کنیم. اکنون می‌خواهیم دوباره چراغ مدرسه «شرق» را روشن کنیم. به همین جهت از ۲۳ مهرماه به مدت ۱۰ روز روند ثبت‌نام در مدرسه «شرق» آغاز می‌شود. متقاضیان محترم می‌توانند در این فرصت از ساعت ۱۰:۳۰ تا ساعت ۱۸ برای روزر کارگاه‌های انتخابی با این شماره‌ها تماس بگیرند:

۰۹۱۲۳۰۸۵۰۲۳-۸۸۹۴۲۰۳۵

جلال محمودزاده، نماینده مهاباد مختصات راهبرد ایجاد امید را تشریح کرد

اجرای درست قوانین موجود ایجاد رفاه برای همه

در حالی که کشور شرایط خاصی را تجربه می‌کند و هر مسئله‌ای می‌تواند بنزینی بر آتش اعتراض‌ها باشد، انتظار می‌رود مسئولان مربوطه با اظهار نظرات سنجیده و راهکارهای مناسب، به جای ندیدن آنچه زیر پوست شهر می‌گذرد...

صفحه ۳

بررسی تحریم‌های اتحادیه اروپا و تأثیر آن بر مناسبات دیپلماتیک در گفت‌وگو با حشمت‌الله فلاحت‌پیشه

می‌خواهند توان چانه‌زنی تهران را کاهش دهند



عکس: جوش هماوندی

عبدالرحمن فتح‌اللهی: اتحادیه اروپا روز دوشنبه با صدور بیانیه‌ای جزئیات تحریم‌ها علیه ایران ذیل اعتراضات یک ماه اخیر را که در شورای وزیران امور خارجه تصویب شده بود، منتشر کرد. آن‌گونه که وب‌سایت اتحادیه اروپا عنوان کرد بسته تحریمی شامل ۱۱ شخصیت و چهار نهاد ایرانی ازجمله پلیس امنیت اخلاقی، نیروی انتظامی ایران و شماری از مدیران آن در کنار عیسی زارع‌پور، وزیر ارتباطات است. این اقدام اروپا عملا با واکنش تند و شدید ایران مواجه شد.

در همین راستا ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه اعمال بسته تحریمی جدید اتحادیه اروپا را قویا محکوم و عنوان کرد تحریم‌های متقابلی علیه اشخاص و نهادهای ذی‌ربط اروپایی از سوی ایران اعمال و اعلام خواهد شد. در کنار آن حسین امیرعبداللهمیان، وزیر امور خارجه هم در صفحه توئیتر خود نوشت: «اتحادیه اروپا امروز با اشتباه محاسباتی طی اقدامی غیرسازنده که مبتنی بر انبوهی از اطلاعات غلط بود، دوباره به ایزان نخ‌نما و بی‌اثر تحریم علیه ایرانیان متوسل شد.»

این گفت‌وگو را در صفحه ۲ بخوانید

یادداشت

چالش بازتوزیع و بازشناسی



حمزه نوذری

جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

مطالبات اعتراضی این روزها نشان می‌دهد گروه‌های مختلف اجتماعی خواهان پیگیری مسائلی هستند که هم‌زمان ناظر بر دو مسئله بازتوزیع و بازشناسی است. بازتوزیع مفهومی است که بیشتر برای توضیح عدالت اقتصادی به کار می‌رود؛ یعنی دسترسی به فرصت‌های اقتصادی. احساس بی‌عدالتی در میان گروه‌های مختلف اجتماعی بیشتر شده است به گونه‌ای که احساس می‌کنند آنچه دریافت می‌کنند، نسبت به آنچه مستحق آن هستند، فاصله بسیار دارد؛ یعنی هزینه‌ها نسبت به دریافت‌ها بیشتر است. همچنین احساس بی‌عدالتی می‌تواند در مقایسه با گروه‌ها و اقشار اجتماعی دیگر از جمله مسئولان شکل بگیرد. مفهوم بازشناسی بیشتر ناظر بر عدالت اجتماعی است؛ یعنی به رسمیت شناختن گروه‌های مختلف اجتماعی. احساس بی‌عدالتی اجتماعی و به رسمیت شناخته‌نشدن در میان برخی زنان به‌ویژه دختران جوان بیشتر به چشم می‌خورد که با چالش بازتوزیع منابع برای آنها ترکیب شده است.

چالش بازتوزیع؛ برخی از مردم احساس می‌کنند دولت‌ها به‌عنوان تخصیص‌دهنده منابع اقتصادی و اجتماعی ناعادلانه رفتار می‌کنند و قوانین تخصیص‌دهنده منابع نیز از عدالت مورد انتظار آنها به دور است. گروه‌های مختلف اجتماعی هم به‌عنوان دریافت‌کننده منابع و هم ناظر بر تخصیص منابع، احساس می‌کنند تخصیص‌دهنده (دولت) و قوانین تخصیصی عادلانه نیست. از آنجایی که عدالت به‌مثابه پیوند بین انسان‌ها و دولت است، با گسترش احساس بی‌عدالتی این پیوند و ارتباط خدشه‌دار می‌شود. دراین‌میان، زنان احساس می‌کنند هم کمتر از آن چیزی که مستحق آن هستند، به آنها تخصیص می‌یابد و هم پاداش دیگران را بیش از حد می‌دانند. هرچند دولت‌ها سعی کرده‌اند با تخصیص منابع و اجرای برخی برنامه‌ها کام‌هایی در حوزه عدالت اقتصادی بردارند؛ اما برای این کار ساختار اداری ناکارآمدی را گسترش داده‌اند که خود زمینه نابرابری بیشتری ایجاد کرده است و کسانی که دسترسی به بوروکراسی ندارند، بیشترین احساس بی‌عدالتی را دارند. در مقابل، راه‌حل بازارگرایی نیز بی‌عدالتی بازارمحور را بیشتر می‌کند. دو منبع مهم احساس نابرابری، دوگانه دولت‌گرایی یا بازارگرایی است. در مقابل این دوگانه مطالبات برابرخواهانه شکل می‌گیرد. چالش بازشناسی؛ بخشی از دختران در جامعه امروز ایران می‌خواهند عاملانی باشند که خود را از بند دیوان‌سالاری، بازی‌های سیاسی غیردموکرات و آداب و رسوم اجتماعی، که در شکل‌گرفتن آنها نقشی نداشته‌اند و همچنین برخورد آمرانه آزاد کنند. برخورد آمرانه و بدون اقتاع و استدلال چه از جانب کارگزاران دولت و چه از جانب معلمان و استادان و چه از جانب والدین باشد، به چالش کشیده شده است. صدای اعتراض زنان و جوانان به این معنا است که می‌خواهند خود زندگی‌شان را بسازند و